

طرح تفسیرنگاری شهید مدرس

ابوالفضل شکوری

مرحوم آیت الله مدرس یعنی سیدحسین بن اسماعیل بن میرعبدالباقی قمشه ای (۱۲۸۷-۱۳۵۷ق/۱۲۴۹-۱۳۱۶خ=۱۸۷۰-۱۹۳۷م)، از بزرگان طایفه میرعابدینی و خاندان های برجسته سادات طباطبایی و رجال روحانی و سیاسی روزگار مشروطیت و دوران پهلوی بود. در روستای «سرابه کچو» در اردستان دیده به گیتی گشود و در روز ۲۶ رمضان ۱۳۵۷ق برابر ۲۳ آذرماه ۱۳۱۶خ در شهرستان کاشمر، آهنگ آن سرای فرمود.

از فقهای طراز اول ناظر بر قانون های تصویب شده مجلس شورای ملی و نماینده نامدار در آن مجلس به مدت چند دوره بود. در میان مردمان ما بیش تر به عنوان یک چهره سیاسی شناخته شده است حال آنکه او از نظر فقاہت و آشنایی ژرف و گسترده با دانش های اسلامی و جایگاه بلند حوزه ای، از مردمان نمونه بود و شایسته اشاره همواره. وی در اثر سالیان دراز تحصیل، تحقیق و تدریس خود در حوزه های علمی نجف، اصفهان و تهران به لقب پرافتخار «مدرس» نایل آمد. مدرس را باید از پیشگامان بزرگ اصلاحات درس های حوزه ای نامید. در اندیشه او رسمیت بخشیدن به تدریس موضوع ها و مبحث هایی در حوزه ها خلعجان داشت که هنوز در پی گذشت سالیان دراز نیز فکر بسیاری از داعیه داران، توانا بر دریافت و فهم و پذیرش آن ها نیست. او به گونه آزاد و خارج از نظم درسی حوزه ها به پژوهش در علم تاریخ، به ویژه تاریخ اسلام و فلسفه تاریخ پرداخت و موفق به کشف نکته هایی شد که در این میدان، فقط بلندپروازانی مانند ابن خلدون با او قابل مقایسه اند^۱. او به لحاظ درک اهمیت دانش تاریخ از استاد گرامی، آخوند ملامحمدکاظم خراسانی درخواست کرد که برای رایج و رسمی کردن درس تاریخ در حوزه ها بکوشد، ولی شرایط زمانی به او امکان نداد که این آرمان بزرگ را عملی گرداند.

سیدحسین مدرس با احساس ضرورت تدریس «نهج البلاغه» در حوزه ها، خود رأساً بدان اقدام کرد و در اصفهان بر آن جامعه عمل پوشاند به گونه ای که به برکت جلسه های درس

نهج البلاغه او «نهج البلاغه شناسانی» همچون حاج میرزا علی آقا شیرازی پرورش یافتند.^۲ مدرس گذشته از وجود همه این کمبودها، از رسمیت نداشتن و رواج نیافتن درس تفسیر و دانش های قرآنی در حوزه های علمی رنج می برد. اهمیت یافتن درس تفسیر و دانش های قرآنی در حوزه ها، یکی از آرزوهای مدرس می بود. او هنگامی که در تهران به عنوان نماینده قدرتمند مردم در مجلس حضور داشت، درکنار این کار، به اداره کردن «مدرسه سه سالار» (شهید مطهری کنونی) نیز اشتغال داشت. از این روی، احساس کرد که از جهات گوناگون، زمان آن فرارسیده است که به آرمان دیرینه خویش جامه عمل بپوشاند و درس تفسیر و دانش های قرآنی را جزء درس های اصلی و الزامی حوزه ها سازد. پس دست به کار شد تا زمینه های پیشین آن را فراهم آورد. از نظر او، نخستین مشکل در این راه، در اختیار نداشتن یک متن درسی مناسب در زمینه تفسیر و دانش های قرآنی بود. او متن ها و کتاب های موجود شیعی و سنی را از نظر گذرانید ولی هیچ کدام را وافی به مقصود نیافت. از این روی، تصمیم گرفت برای نگارش یک متن درسی جامع و شایان در این زمینه، یک «طرح» فراهم آورد تا «گروهی» از دانشمندان روی آن کار کنند و یک متن عصری قابل قبول را آماده سازند. مدرس در این زمینه به انجام کار فردی معتقد نبود و تنها کار گروهی دانشوران را کار ساز و سودمند می دانست. برخی از یارانش به او گفتند: در این اواخر در مصر یکی از دانشمندان اهل سنت، تفسیر دلخواه و پسندیده شما را نگاشته است و همان را می توان کتاب درسی کرد. او پرسید: آن، کدام است؟ دوستان، «الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم» از طنطاوی بن جوهری مصری (۱۲۸۷-۱۳۵۸ ق) را به وی نشان دادند، ولی مدرس پس از خواندن و بررسی دقیق و لازم درباره آن، نه تنها آن را وافی به مقصود ندانست، بلکه گفت: این شخص روح قرآن را نفهمیده است، باید خودمان چیزی بنویسیم. پس برای نگارش کتاب دلخواه خود «طرح مختصر»ی تهیه کرد که در عین فشردگی و ایجاز، همه مطالب مربوط به یک برنامه پژوهشی بزرگ را در خود نهفته داشت. اکنون هم دارد چه بعد از گذشت سالیان دراز بر آن روزگار، اینک نیز می تواند الگوی الهام بخش و مناسبی برای نگارش یک تفسیر جامع و نوین و امروزی به شمار آید. در اینجا کلیشه عین دست نویس شهید مدرس را همراه متن حروف چینی شده آن می نگاریم، تا بدین وسیله، یادی از بزرگ مرد میدان علم و عمل کرده باشیم و این کار، برای پژوهندگان اقیانوس دانش های قرآنی و تفسیر قرآن گرامی، انگیزه ای نیروبخش باشد تا برای جبران کمبودهای موجود بکوشند. مدرس طرح مختصر خود را چنین نوشته است:

در علم الراجح

کثیر علی غیر قرآن در مجاز و دیوار خانه در ضحی صفا تر سله و عاقل
در وجه اکتی و از م را حیزت تا خانه در قرآن ایضه شتر خا ذوق کله

بجو در ترک است
در نظر از امر که لحد باند رد بخورد در بی شایسته در سزا بهر
ذوق غیر شکر بنده با هر فرضه غیر بر آن ایثار در کت بر کله
دین تیف در سزا کله کله در آن تعلق به بوده با شکر در سزا
۱ ادبیه ^{بکلمه} تریف را عشاق را عو اب و نه
۲ نزل آن

- ۳ غیر نیرانی در لول ای ریاضه اجمال اف در بطان بهج با دق
رتیف هم رتبه و نایخ ر شومخ در هر شایه ر ارده بر بعضی باه و دگر
بضرباب فکر راجع باقی در طبیعت اف به سواة عصر
- ۴ کلمه نیرانی در ده اند به اعتقاد است در بند و ساد در بنه و کله
- ۵ فقه نیرانی در پنجم و ده که ای که اف کله تقضیه
- ۶ غصه نیرانی در پنجم و ده که ای که اف کله در سزا
اعیان در آن کله است نیرانی در سزا راجع به کله راجع

در مجاز و از جمله هم قسمت است ادل کلیات نظر مدهت صانه

دوم تر با طلب نون

بسم الله الرحمن الرحيم

تحصیل علم تفسیر قرآن، در جزو علوم دیگر، در ضمن دوره متوسطه و عالی، اول درجه اهمیت و لزوم را حایز است. متأسفانه در قرون اخیر، مثل خیلی از علوم مهمه اسلامی، مهجور و متروک شده است. ولی به نظر داعی، کتابی که کسلاً به این درد بخورد، درین تفاسیری که دسترس ما بوده و بالخصوص از تفاسیر شیعه نداریم. باید مخصوصاً تفسیری برای این کار در تحت پروگرام [برنامه] ذیل، تألیف و تدوین شود که جهات مذکوره را متوسطاً جامع بوده باشد و در دوره متوسطه و عالی تحصیل شود:

۱. الادیة، یعنی نکات مهمه بیان، تصریف و اشتقاق و اعراب و لغت.

۲. نزول آیه.

۳. تفسیر، یعنی بیان مدلول آیه و بیان اجمال آن و ربط آن به سابق یا لاحق، و تعیین محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ و حل شبهات و آیه‌ها بر بعضی آیات و ذکر بعضی مطالب علمی راجع به آن آیه و تطبیق آن با معلومات عصری.

۴. کلام، یعنی بیان دلالت آیه بر اعتقادات در مبدأ و معاد و نبوت و نظایر آن.

۵. فقه، یعنی بیان آنچه دلالت می کند آیه از احکام تکلیفیه.

۶. فلسفه، یعنی بیان آنچه آیه بر آن دلالت دارد از حکمت و عرفان و مواعظ و اخلاقیات و انذارات و سیاسات یعنی مسایل راجعه به مَدُن و اجتماعات.

آنچه در نظر بوده، دو قسمت است:

اول، کلیات، نظیر مقدمات «صافی».

دوم، تقریباً مطالب فوق.

۱. مدرسی، علی؛ سده تحریم تنباکو (دفتر اول)، صص ۱۲۴-۱۴۲؛ «گزیده‌هایی از کتاب زرد مدرس» نگاهشته علی مدرسی، به کوشش موسی نجفی و رسول جعفریان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳ش؛ مدرسی، علی، «پراکنده‌نگاهی به کتاب زرد»؛ یاد (فصل نامه بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران)، شماره‌های ۲۰ و ۲۱.

۲. مدرسی، علی، «پراکنده‌نگاهی به کتاب زرد»؛ یاد، فصل نامه بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران، شماره ۲۰.

۳. ابوالفضل شکوری، «شخصیت علمی و فقهی مدرس»، فصل نامه بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران، تهران، ۱۳۶۶، ج ۲/۳۳۹.

۴. برای دیدن کلیشه اصل سند، رجوع کنید به: مدرسی، علی، مدرسی، تهران، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۶۶خ، ص ۳۰۲ (سند شماره ۱۰).